

[نهی از عبادت 1](#_Toc85559149)

[خروج نهی عرضی از محل کلام 1](#_Toc85559150)

[جمع بندی کلام مرحوم آخوند 2](#_Toc85559151)

[عدم شمول بیان مرحوم آخوند از سه جهت 2](#_Toc85559152)

[جهت اول: عدم شمول از ناحیه نهی غیری 2](#_Toc85559153)

[جهت دوم: عدم شمول از ناحیه مبانی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد 3](#_Toc85559154)

[اشکال مرحوم آغا ضیا: عدم ملازمه نهی و فساد طبق تبعیت متعلقات احکام از مصالح 3](#_Toc85559155)

[دفاع استاد از مرحوم آخوند 3](#_Toc85559156)

[جهت سوم: عدم شمول از ناحیه عبادات به معنای اعم 4](#_Toc85559157)

[مختار استاد برای اقتضای فساد در همه موارد و طبق همه مبانی 4](#_Toc85559158)

[مقام دوم: نهی از معاملات 5](#_Toc85559159)

**موضوع**: بررسی کلام مرحوم آخوند /نهی از عبادت /مساله اقتضا

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد مقام اول از مساله اقتضا بود. در این مقام نسبت به نهی از عبادت مطالبی مطرح شد. مرحوم آخوند فرمود: نهی از عبادت موجب فساد است؛ چرا که در بعضی از موارد حسن فاعلی و فعلی وجود ندارد و در بعضی از موارد حسن فعلی وجود ندارد. بعد اشکالی مطرح کردند که به آن سه جواب دادند و استاد این اجوبه را بررسی کردند و در نهایت یک جواب چهارمی مطرح کردند.

# نهی از عبادت

## خروج نهی عرضی از محل کلام

بحث در مقام اول که نهی از عبادات بود، به مقداری که در کفایه آمده بود، تمام شد. البته یک مطلبی را مرحوم اخوند دارد که قبلا هم متعرض شدیم. ایشان بعد از این که فرمود نهی مقتضی فساد است گفته است: بله، نهی اگر عرضی بود، از محل بحث خارج است و بحث ما در مورد نهی حقیقی است. ایشان می­گوید: اگر امر به ازاله نجاست از مسجد مقتضی نهی از ضدش و نماز باشد، داخل در محل نزاع است.

بله؛ اگر شما گفتید امر به شیئ مقتضی نهی از ضدش نیست و مع ذلک مولا در جایی که اهم مبتلا به ما است گفت لا تصل، یعنی ازاله کن بالمجاز، مقتضی فساد نیست. چرا که حقیقتا طلب ترک نداریم. خیلی اوقات برای موالی و آباء این اتفاق می­افتد که مثلا می­گوید تلوزیون را رها کن و منظورش این است که برو نان بخر. این نواهی از محل بحث خارج است.

## جمع بندی کلام مرحوم آخوند

خلاصه: مرحوم آخوند فرمود: نهی حقیقی در عبادات مقتضی فساد است. در ملتفت فرمود: به خاطر این است که قصد قربت تمشی نمی­شود و در غیر ملتفت به نحو عام گفت: منهی عنه صلاحیت تقرب ندارد؛ زیرا امر که ندارد و قائل به امتناع اجتماع امر و نهی هستیم و ملاک آن هم که مغلوب است؛ چون نهی آن فعلی است. نهی یا برخواسته از مفسده است و یا برخواسته از غلبه مفسده است مثل مرحوم آخوند در باب اجتماع امر و نهی این مطلب را قائل است. پس یا اصلا مصحلت ندارد و یا مصحلت مغلوبه ندارد و صلاحیت تقرب را ندارد. لذا این وجه دوم مرحوم آخوند که صلاحیت تقرب را ندارد، شامل فرضی که مکلف عالم و ملتفت به نهی است و هم فرضی که جاهل به نهی است، می­شود، مثلا صوم عیدین باطل است و لو این که مکلف جاهل به عیدین باشد. صلاحیت ربطی به علم و جهل مکلف ندارد. مرحوم آخوند یک بیان برای فرض علم دارد و یک بیان برای فرض علم و جهل دارد.

## عدم شمول بیان مرحوم آخوند از سه جهت

بیان خاص که مرتبط به عالم است، صحیح است؛ زیرا قصد قربت تمشی پیدا نمی­کند. ما باید یک بیانی برای اقتضای فساد بیاوریم که هم فرض علم و هم فرض جهل را شامل بشود؛ چرا که مدعا این است که نهی مقتضی فساد است و مختص به نهی معلوم نیست.

### جهت اول: عدم شمول از ناحیه نهی غیری

در حقیقت ما باید بیانی داشته باشیم که این اقتضا را برساند و لو این که متعلقش مفسده نداشته باشد مثل نهی باب اقتضا که منشا آن مفسده نیست. اگر امر به ازاله مقتضی نهی از صلات باشد، منشا آن مفسده نماز نیست بلکه مصحلت اهم است. لذا می­گوییم نهی آن غیری است و ما باید بیانی بیاوریم که اقتضا در نهی غیری هم ثابت بشود؛ زیرا مدعای ما و مرحوم آخوند این است که نهی و لو غیری، مقتضی فاسد است؛ پس با غلبه مفسده بر مصحلت مطلب تمام نمی­شود.

### جهت دوم: عدم شمول از ناحیه مبانی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد

از طرفی ما باید بیانی بیاوریم که جمیع مبانی را شامل بشود. یک مبنا این است که متعلقات احکام تابع مصالح و مفاسد هستند بر این مبنا نهی کاشف از این است که مفسده غلبه دارد و صلاحیت تقرب ندارد. اما یک مبنا این است که احکام تابع مصالح فی انفسها است. خود مرحوم آخوند در یک جای کفایه می­گوید همین مبنا اقوی است. در این صورت نهی کاشف از مفسده غالبه نیست.

### اشکال مرحوم آغا ضیا: عدم ملازمه نهی و فساد طبق تبعیت متعلقات احکام از مصالح

بلکه مرحوم آغا ضیا فرموده است: بر مبنای تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات هم این بیان ناتمام است. قبلا فرمایش ایشان گذشت و دوباره در این جا تکرار کرده است. ایشان از کسانی است که منکر دلالت نهی مولوی بر فاسد است. گفته است: قبول نداریم که نهی مقتضی فساد باشد. هر چند که منهی عنه را قائل به فساد هست ولی با اصل عملی قائل است. وقتی که صوم عیدین نهی دارد، یعنی امر ندارد و وقتی امر نداشت، شک در ملاک می­شود و شک در ملاک باعث شک در مشروعیت می­شود و اصل عدم مشروعیت است؛ اما نهی مقتضی فساد نیست. دلیل مرحوم آخوند یک وجه مشهوری است و در عین حال مرحوم آغا ضیا آن را انکار کرده است.

اشکال مرحوم آغا ضیا این است: اگر نهی کاشف از این بود که ملاک وجود ندارد حق با شما است؛ ولی نهی کشف نمی­کند که ملاک ندارد. نهی می­گوید مفسده دارد در حالی که مفسده با مصحلت جمع می­شود. چه بسا اشیائی که هم مصلحت و هم مفسده دارند. مثل کسی که عمامه پوشیده است به لحاظ بی حرمتی نکردن به میهمان مصحلت دارد ولی به لحاظ سر درد مفسده دارد. یا مثل شرب خمر که هم مصحلت و هم مفسده دارد. در نتیجه اول کلام است که منهی عنه صلاحیت تقرب نداشته باشد. شاید منهی عنه مصحلت داشته باشد و صلاحیت تقرب را داشته باشد. ایشان اصل دلیل را مناقشه کرده است.

#### دفاع استاد از مرحوم آخوند

به نظر ما هر مصحلتی که صلاحیت تقرب را درست نمی­کند. هر چند که نهی دلالت ندارد که مصحلت ندارد و آخوند هم این را ادعا نکرد؛ بلکه گفت: نهی دلالت بر مفسده غالبه دارد و ممکن است مصلحت داشته باشد ولی مغلوب است. نزاع در این است که مفسده غالبه عبادت را از صلاحیت تقرب ساقط می­کند یا نه. نمی­دانم که چرا مرحوم آغا ضیا بر این حرف باطل اصرار دارد.

نهی که کاشف از مفسده غالبه هست و مفسده غالبه ملازمه با مبغوضیت فعلیه دارد. چیزی که در نفس مولا اثر دارد، مفسده غالبه است. مبغوضیت فعلیه دارد. مصحلتی که کارایی در نفس مولا ندارد چطور می­تواند صلاحیت تقرب داشته باشد؟ حق با مرحوم آخوند است. ولی هنوز دو مرحله باقی می­ماند: اگر نهی غیری باشد تکلیف چیست؟ این نهی کاشف از مفسده نیست چه برسد به غالبه بودن. نهی از صلات که از امر به ازاله تولید می­شود به چه بیان مقتضی فساد باشد؟ یا اگر ما گفتیم مصالح در جعل احکام است، بیان شما شامل آن نمی­شود. متعلق که مفسده ندارد چرا صلاحیت تقرب نداشته باشد.

### جهت سوم: عدم شمول از ناحیه عبادات به معنای اعم

این مطلب هم اضافه شود. اگر کسی گفت مراد از عبادات، اعم است، عبادات به معنای اعم و شامل مثل تذکیه و تحنیط هم شود، باید بحث کنیم که مواردی که عبادت اصطلاحی به معنای اخص و معامله اصطلاحی نیستند، به چه بیانی فاسد باشند؟ پس بیان مرحوم آخوند مخصوص عبادات به معنای اخص است در حالی که محل بحث اوسع است. اگر نهی از تذکیه شد، به چه بیانی فاسد است؟

لذا مرحوم صدر ملتفت به این جهت شده است و وجوهی مطرح کرده است که بعضی را قبول کرده است و به نظر ما تطویل است. به نظر ما همه نواهی چه نفسی و چه غیری و بر همه مبانی چه بنا بر تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات و چه تبعیت احکام از مصالح فی انفسها و حتی نهی از هر ماموربهی و صلاحیت ماموربه را دارد هر چند که عبادت به معنای اخص نیست، نهی مقتضی فساد است. بیان دیگری بر این مطلب وجود دارد.

## مختار استاد برای اقتضای فساد در همه موارد و طبق همه مبانی

در نظام عبد و مولا این مطلب جاری است که اگر مولا امر به چیزی کرد و نهی از حصه از آن شیئ کرد و یا به عبارتی نهی کرد از چیزی که اگر نهی نبود مامور به بر آن منطبق بود و همان عبادت شانی که آخوند می­گفت، نهی مقتضی فساد هست.

بحث صحت و فساد یعنی بحث امتثال و عدم امتثال است که یک مطلب عقلائی است ولی در منطقه عبد و مولا. به نظر ما عقلا منهی عنه را امتثال امر نمی­دانند. نه این که شک داشته باشند. اگر مولایی امر به فعلی کند و بگوید نماز بخوان و نهی کند و لو به عنوان دیگری مثل اهانت نکن، اگر منطبق بر ماموربه شد، عقلا این را امتثال ماموربه نمی­دانند. وقتی که نهی دارد، عقلا می­گویند معنا ندارد امتثال باشد.

اصلا لفظی ممکن است در کار نباشد و با دلیل لبی یک چیزی را فهمیدی که حرام است. ما ملازمه عقلی را به امر عقلائی بیان می­کنیم. در نظام عبد و مولا یک تناقض رخ می­دهد که هم عصیان و هم امتثال باشد. فرض این است که عصیان محقق است و نهی مقدم است. در این بیان اصلا نیازی به عبادت به معنای اخص باشد، نیست. مثلا حنوط کردن میت که قصد قربت شرط نیست و اگر مولا نهی از حنوط با کافور غیر که غصب است، کرد. امتثال رخ نمی­دهد. عقلا در باب امتثال حاکم هستند. امتثال اوامر و نواهی را از عقلا خواسته اند اما چه چیزی عصیان و امتثال است به خود عقلا واگذار کردند. عقل یا عقلا، مهم نیست. عقلا منهی عنه را مصداق امتثال نمی­بینند. اگر مولا مکلف را کتک بزند که چرا نماز را در مکان غصبی خواندی، نزد عقلا حق است و ظلم نیست.

کاری ندارند که نهی آن از چه چیزی برخواسته است. چیزی که در نظام عبد و مولا نه فعلی دارد، عقلا آن را مصداق امتثال نمی­بینند. حالا منجز باشد و یا جهل به نهی داشته باشند.

این که مرحوم نائینی گفت نهی غیری بطلان نمی­آورد گرفتار این اصطلاحات شده است. به نظر ایشان نهی غیری که از مفسده ناشی نمی­شود. اما اصلا بحث برخواستن از مفسده نیست. نکته را دریابید. مولا می­گوید این نماز را نمی­خواهم حالا یا بخاطر خودش یا به خاطر غیر. نخواستن را جدی می­گوید و فعلی است. مهم صدور نهی و تحریم است. حالا منشا مبغوضیت هر چه باشد. اصلا بگویید جزاف باشد ولی یک نهی جدی دارد. نهی جدی مانع از امتثال است. این که بخواهد از حیث مصحلت داشتن بخواهد امتثال باشد، فلسفه و بافیدنی است.

وجه وجیهی که وجود دارد همین نکته عقلائی است. چیزی که مرحوم آخوند در عبادات به معنای اخص گفته است، واضح است. بحث در این توسعه است که ما با این بیان توسعه را حل کردیم.

# مقام دوم: نهی از معاملات

مرحوم آخوند می­فرماید: نهی دلالت لغوی و عرفی بر فساد ندارد. در این جا پای عقل را به میان نمی­آورد و می­خواهد بگوید که لفظا این گونه است. ادامه بحث در جلسه آینده.